



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ آبان ۱۴۰۲

موضوع کلی: اعتبار و حجیت قطع

مصادف با: ۲۲ ربیع الثانی ۱۴۴۵

موضوع جزئی: مقدمه - مقام اول: بررسی حجیت قطع ناشی از مقدمات عقلی - شبهه اول

اخبارین - پاسخ شیخ انصاری به آن - شبهه دوم اخباریین و پاسخ شیخ انصاری به آن

جلسه: ۲۵

سال پانزدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم اشکال محقق خراسانی به شیخ انصاری مبنی بر اینکه نسبتی که شیخ انصاری به اخباریین داده‌اند نادرست است، با استناد به عبارات بزرگان اخباریین مورد خدشه قرار گرفت.

شیخ انصاری یک ان قلت را مطرح کرده است و پاسخ داده به آن و سپس با الا ان یدعی اشکال و شبهه دیگری را مطرح کرده است و یک پاسخی داده که به منظور متمیم بحث مناسب است این بخش از کلام شیخ انصاری نیز بررسی شود.

شبهه اول اخباریین

شیخ انصاری بعد از آنکه سخنان اخباریین را مطرح می‌کند و می‌گوید اینها چنین گمانی دارند می‌فرماید: «فان قلت؛ ممکن است کسی اشکال کند که شاید منظور اخباریین روایاتی از این دست باشد که «حرامٌ علیکم، ان تقولوا بشیء ما لم تسمعوه منا» بر شما حرام است چیزی را بگوئید مادامی که آن را از ما نشنیده‌اید. اگر کسی حکم یا مطلبی را به عنوان دین مطرح کند در حالیکه آن را از ما نشنیده، این حرام است. یا این روایت که «لَوْ اَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَايَةَ وَاوَّلِي اللَّهِ فَيُؤَاوِيهِ وَ يَكُونُ جَمِيعُ اَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ مِنْهُ اَيُّهُ، مَا كَانَ عَلَيَّ اَللَّهُ حَقًّا فِي ثَوَابِهِ وَلَا كَانَ مِنْ اَهْلِ الْاِيْمَانِ» اگر کسی تمام شب را به عبادت و شب زنده داری مشغول شود و روزش همواره به روزه بگذرد و تمام ایام عمرش حج به جا بیاورد و تمام اموالش را صدقه بدهد اما ولایت ولی خدا را نشناسد که اعمال او با راهنمایی ولی خدا باشد هیچ ثوابی نصیب او نخواهد شد، بر خدا نیست که بر او ثواب بدهد. این معنایش این است که هر حکم شرعی باید از راه حجت یعنی اهل بیت به دست ما برسد. لازمه و مفهوم این سخن این است که اگر کسی از راه عقل و غیر این حجت حکم شرعی را به دست بیاورد این هیچ فایده‌ای ندارد.

پس شیخ انصاری بعد از اینکه فرمود مقدمات عقلیه به دلیل کثرت خطا و اشتباه به نظر اخباریین قابل اتکاء نیستند، بعد یک وجه دیگری برای این نظریه اخباریین ذکر می‌کند، شاید این از آن جهت باشد که کثرت خطا و اشتباه در نقلیات هم راه دارد. کسی ممکن است در استفاده حکم شرعی از روایات نیز خطا و اشتباه کند. لذا می‌گوید شاید اساساً منظور اخباریین از اینکه می‌گویند ما به مقدمات عقلی نمی‌توانیم اعتماد کنیم مسئله کثرت خطا و اشتباه نیست بلکه آنها با این روایات مواجه شدند و می‌خواهند بگویند این صریح روایات است که ما فقط و فقط باید از این راه احکام شرعی را به دست بیاوریم. در حقیقت این راهی است که این حجت را توثیق می‌کنند و غیر از این به هیچ وجه قابل اعتماد و قابل قبول نیست.

شیخ انصاری سپس یک مطلب دیگر را بیان می کند و می گوید ممکن است منظور اینها این باشد که ما با عقل نمی توانیم به ملاکات احکام دست پیدا کنیم. ملاکات احکام یعنی آن مصالح و مفاسد واقعیه ای که به واسطه آنها حکم شرعی جعل شده است و روایاتی مثل «دین الله لا یصاب بالعقول الناقصة» و «لا شیء ابعده عن دین الله من عقول الناس» به همین معنا است. اینکه دین خدا با عقول بشری به دست نمی آید و عقل نمی تواند به دین خدا دسترسی پیدا کند و هیچ چیزی به اندازه دین خدا از عقول مردم فاصله ندارد به این معناست که ما ملاکات احکام شرعی را نمی توانیم به دست بیاوریم نه اینکه دین خدا یک امر غیر عقلانی باشد، نه اینکه دین خدا از عقول مردم دور باشد. بلکه منظور ملاکات و مصالح و مفاسدی است که احکام بر آنها استوار است. اگر منظور اخباریین این باشد ما نیز آن را قبول داریم.

پس در واقع این مطلب را شیخ انصاری کانه به عنوان یک احتمال دیگری در کلمات اخباریین مطرح کرده اند.

این مطلب را شیخ انصاری به عنوان ان قلت مطرح کرده است. به نظر اخباریین هر حکمی که از طریق حجت، از طریق شنیدن معصوم نباشد واجب الامتثال نیست، تنها حکمی واجب الامتثال است و ثواب و عقاب بر موافقت و مخالفت آن مترتب می شود که از طریق سماع امام علیه السلام باشد. لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ دَر حَقِيقَتِ مِی خَوَاهِدُ بَکُویدِ عَمَلِی کِه بَه طَرِیقِی غَیْر از طَرِیقِ مَعْصُوم بَه دَسْت آمَدَه بَاشَد اَسَاسَا وَ جُوب اِمْتِثَال نَدَارَد بَرای هَمِین اَسْت کِه اِمَام دَر رِوَايَت فَرَمُود ثَوَاب نَدَارَد. ثَوَاب نَدَارَد از اِین بَاب اَسْت کِه اِمْتِثَال مَحْسُوب نَمِی شُود زَیْرَا اِگَر یَک عَمَل وَ فَعَلِی وَ یَا تَرکِی اِمْتِثَال مَحْسُوب شُود بَدُون تَرَدِید ثَوَاب نِیز بَه دَنْبَالش خَوَاهِد بُود وَلِی وَ قَتِی ثَوَاب رَا نَفِی مِی کُنَد مَعْنَایش اِین اَسْت کِه اِگَر یَک حَکْمِی از رَاهِی غَیْر از شَنِیدَن از اِمَام مَعْصُوم اسْتِخْرَاج شُد، وَاجِب اِلْمِثَال نِیَسْت. اِین مَطْلَب رَا شِیخ اِنصَارِی فَرَمُود.

پاسخ شیخ انصاری

خود شیخ انصاری به شبهه پاسخ دادند.

اولاً: می فرماید: اگر منظور اخباریین این باشد حرف باطلی است. چرا حکمی که از راه عقل استفاده می شود و انسان به آن یقین پیدا می کند معتبر نباشد؟ قطع حجیت دارد و حجیت آن نیز ذاتی است نه قابل جعل است و نه قابل سلب، برای چه بگوییم این حکم واجب الامتثال نیست. عقل ما یقین کرده است به اینکه این حکم باید امتثال شود و امتثالش نیز ثواب به دنبال دارد. برای چه ما بگوییم اگر عقل حکمی را به دست بیاورد فایده ای ندارد؟

آنچه شیخ انصاری در جواب ان قلت بیان کردند، همان است که قبلاً گفتند. زیرا قبلاً گفتند که حجیت قطع ذاتی است و قابل سلب نیست. لذا ما نمی توانیم بگوییم اگر قطع از این اسباب حاصل شود اعتبار ندارد، ایشان سپس در مورد این روایت می فرماید این روایت «لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَ لَایَةَ وَ لَیَّ اللهُ فِیْوَالِیهِ وَ یَکُونُ جَمِيعُ اَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ مِنْهُ اَلِیهِ، مَا کَانَ عَلَی اللهِ حَقٌّ فِی ثَوَابِهِ وَ لَا کَانَ مِنْ اَهْلِ الْاِیْمَانِ» نمی خواهد بگوید امتثال ندارد و لذا ثواب ندارد. بلکه معنایش این است که اگر حکم شرعی از راه هایی مثل قیاس و استحسان و مصالح مرسله، (هر آنچه در آن زمان مورد استفاده اهل سنت قرار می گرفت) بدست آید قابل قبول نیست. یعنی امام (علیه السلام) می خواهد بفرماید که این روایت با توجه به اینکه در آن زمان متعارف و شایع بود که بر اساس ظن و قیاس و استحسان و امثال اینها حکم شرعی را به دست می آوردند، امام می خواهند در مقابل آن رفتار بفرماید تا زمانی که احکام شرعی از طریق ولی خدا بیان نشود، فایده ای ندارد.

پس این شبهه توسط شیخ انصاری پاسخ داده شد، هم اصل شبهه و هم استنادی که به روایت کردند.

ثانیا: بر فرض قبول کنیم این روایت دلالت می‌کند بر اینکه تا سماع از معصوم نباشد امتثال و در نتیجه ثواب تحقق پیدا نمی‌کند ولی سماع از معصوم تنها به شنیدن حسی و با گوش نیست. بعد به یک روایتی از پیامبر(ص) در حجة الوداع استناد می‌کنند که فرمودند: «يا أَيُّهَا النَّاسُ، وَاللَّهِ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقْرَبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ، وَ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقْرَبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَقَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ» هیچ چیزی در این دنیا نیست که باعث نزدیک شدن و قرب شما به جنت و سعادت ابدی باشد الا اینکه من شما را به آن امر کردم و هیچ چیزی نیست که شما را از جهنم و آتش دور کند الا اینکه من شما را از آن نهی کردم. پیامبر فرموده هرچه شما را به جنت نزدیک می‌کند شما مأمور به انجام آن هستید و هرچه شما را از آتش دور می‌کند شما مأمور به ترک آن هستید. آیا اگر ما با یقین به یک حکم شرعی به آن حکم شرعی عمل کنیم، فعلی را انجام دهیم این مصداق یقربکم الی الجنة نیست؟ اگر ما چیزی را ترک کنیم و اجتناب کنیم آیا مصداق یباعدکم من النار نیست؟ خود پیامبر فرموده، من همه را برای شما بیان کردم، ما نیز می‌دانیم، بالاخره خیلی از این موارد بخصوصه و مصداقی بیان نشده است، اما کلیدهایی در اختیار ما قرار داده، از جمله اینکه عقل هم اگر یقین پیدا کند این کأنه از باب توثیق حجت است. این را تأیید کرده پیامبر و این برای ما کافی است. پس نتیجه این است که این شبهه و اشکال اول که شیخ انصاری از لسان اخباریین بیان کردند مردود است.

شبهه دوم اخباریین

ابتدا شیخ انصاری سپس با الا ان یدعی در ادامه می‌فرماید: مگر اینکه ادعا شود اصلا مسئله امتثال و عدم امتثال مطرح نیست بلکه مطلب دیگری است. ما از این روایات استفاده می‌کنیم آن حکم تا زمانی که از طریق سماع از معصوم به ما نرسد فعلیت پیدا نمی‌کند. بله فرض این است که این حکم وجود دارد و خداوند این حکم را انشاء کرده است ولی فعلیت آن و اینکه دامن و گریبان ما را بگیرد متوقف بر سماع از معصوم است. اگر این اتفاق بیفتد این حکم فعلی می‌شود. پس تا زمانی که ما از طریق سماع حکمی را به دست نیاوریم آن حکم فعلیت پیدا نمی‌کند. لذا اگر ما از راه عقل یقین به حکمی پیدا کردیم، چون این حکم از راه حجت یعنی معصوم به دست ما نرسیده فعلیت پیدا نکرده است.

بله حکم در مقام انشاء وجود دارد و صادر شده است ولی از راه درست به ما نرسیده است، از طریق حجت به دست ما نرسیده.

پاسخ شیخ انصاری

شیخ انصاری از این مطلب نیز پاسخ می‌دهند به اینکه بر فرض که روایات ظهور در این معنا داشته باشند باز هم اینجا باید ببینیم تعارض بین چه چیزی با چه چیزی واقع شده است؟ اگر تعارض بین نقل ظنی و عقل قطعی باشد، مسلم عقل قطعی مقدم است. مثلا روایت می‌گوید اگر حکمی از طریق عقل قطعی به شما برسد تا زمانی که از طریق امام معصوم نشنیده باشید اعتبار ندارد. پس ما امرمان دائر بین یک دلیل ظنی و یک دلیل قطعی یعنی عقل است. وقتی اینها تعارض کنند عقل قطعی مقدم است. پس بر فرض این روایت ظهور در این مسئله هم داشته باشند ولی باز قاعده این است که عقل قطعی به نقل ظنی مقدم شود.

بحث جلسه آینده

ملاحظه کردید این دو مطلب را شیخ انصاری به عنوان یک احتمال و وجه در کلام اخباری ها بیان کرد و اشکال آنها را مطرح کرد؛ شبهه آنها را از زبان خودش مطرح کرد و به اینها پاسخ داد. حال باید ببینیم این فرمایش شیخ انصاری در مقام پاسخ به آن دو شبهه و اشکال درست است یا خیر؟

«الحمد لله رب العالمین»